

متن پرسش

سلام علیکم:

تقدس جمهوریت با نظر به تاریخ قدسی فردا

آری! شاید و چه بسا حقیقتا اگر انسان با نظر به افق برین و گشوده ای از آنچه که می تواند باشد و حاضر شود در نظر به جمهوریت ذیل انقلاب اسلامی در تجسم انسانی همچون حاج قاسم ها و یا همچون شهدا به آینده و فردای این تاریخ نگاه کند دیگر حضورش در صحنه ی انتخابات را ادامه ی دیروز تحجر و فساد و رانت امروز نمی فهمد بلکه به طلب فردایی برای حضور هر چه بیشتر از جنس حاج قاسم ها دنبال می کند و این یعنی همان (جمهوریت) آری، ما در صحنه ی حضور مردمی در انتخابات چه بسا دست به انتخابی بزنیم که در افق تاریخ فردای ما نباشد اما جنس حضور ما فردایی است گرچه انتخابمان اینگونه نشود. امید و امیدواری به فردای تاریخ درست در این نقطه است که شکل می گیرد و یأس و بازگشت از مسیر هم در این نقطه مفهوم می شود. [درست همان جایی که می توانیم باشیم اما بدون نظر به فردا و نظرگاه حضور و طلبی که می شود به آن چشم دوخت و انتظار کشید اما پا پس می کشیم]. باید یکی از محورهای جبهه ی تبیین در انتخابات پیش رو، نظرگاه فردایی باشد که جنس حاج قاسم است و نظرش به جمهور در دفاع از حرم است (حرم جمهوری اسلامی) اگر ستون این خیمه بلرزد خیمه ی حرم آل الله خواهد لرزید. شاید به یک وجه با آنانی که از انتخابات دلسرد شدند وجه اشتراکی بتوان یافت اما وجه افتراق است که درست نقطه ی مقابل آن که جمهوریت را تقویت می کند. وجه اشتراک همان ادامه ی دیروزی است که با رانت و فساد و تبعیض و بی عدالتی و.... سایه بر امید حضور انداخته است تا انسان پا پس بکشد و یأس در عالم اراده ی انسانی اش رخنه کند و او را از برهه ای حساس در تاریخی بس بزرگ و تقابلی به شدت معنا دار و معنا بخش محروم کند و این همان جنود ابلیس است که آدمی را ابتدا بی اراده می کند و آنگاه بر حیات سرگردانی اش افسار می زند و صحنه ی زندگی اش را میدان تفرج توهمات و خیالات می کند و سپس در یک تاریکی سرگردان و بی معنایی او را بی حاصل دچار دوران زندگی از امروز به فردا و از فردا به فردایی دیگر تا فرا رسیدن مرگ اگر قبش منجر به خودکشی نشود می کشاند. اما وجه افتراق در همان طلب فردایی است که ظهور انسان‌هایی می‌تواند باشد از جنس حاج قاسم ها که نه حضوری ملی داشته باشند بلکه مکتبی باشند فرا روی انسان های معنویت خواه و آزادی طلب و آزاده که در پی فردایی در قامت انسانی‌اند، نه ادامه‌ی دیروز و نه رانت و فساد و اختلاس. کافی است در این افتراق و اشتراک بیندیشیم، فکر کنیم و به گفتگو بنشینیم تا انسان‌ها حضور جمهوریت را همان ادامه‌ی حضور

حاج قاسمی ببینند و تصدیق کنند که اگر نبود آن حضور، جریان استکبار و صهیونیسم انسان را در سحر توهمات و تخیلات و تمایلات نفسانی‌شان به اسارت می‌گرفتند و از انسان برده‌ای می‌ساختند در تسخیر تمایلات عالم خود. آنچنان که در پروتکل‌های اندیشه ورزی‌شان نظر به چنین انسانی در آخرالزمان برای خود ترسیم کردند. جمهوریت همان دیروز نیست تا پا پس بکشیم، بلکه ادامه‌ی فردایی است که با امروز تاریخ انقلاب اسلامی گره خورده است و درست همین جاست که باید حاضر شد، حضور از جنس فردایی برای عبور از دیروز با نظر به شهدا، اما نه با تکیه بر احساسات بدون تفکر تاریخی. و این صورت تفکر تاریخی بر عهده‌ی جبهه‌نخبگان انقلابی است تا افق حیات بخش فردا را و عبور از صورت گذشته را در تعیین حاج قاسم‌ها به جمهوریت نشان دهند تا این طلب در جان‌شان زنده شود و در تاریخ حضور فردای خود شرکت کنند آنچنان که زیر تابوت حاج قاسم حاضر شدند. آری تابوت حاج قاسم طلب گمشده‌ی فردایی و پس فردایی انسان بود فلذا به صحنه آمد و در پی گمشده‌ی خود می‌گشت. به نظر می‌رسد اگر همین انسان را در فردایی از این جنس که همان طلب گمشده و حضور فراگشوده‌ی خودش باشد حاضر کنیم و یا بتواند حضورش را در آن فردا بیابد، جمهوریت شکل خواهد گرفت و مشارکت ذیل یک تاریخ قدسی از همان صورتی که در تشییع پیکر حاج قاسم بود بار دیگر صورت خواهد گرفت. آری! باید به این نحوه از مشارکت فکر کرد و در وجه و صورت‌های مختلف آن برای معنابخشی‌اش و صورت‌گری‌اش به انسان تفکر کرد بدون آنکه بخواهیم گرفتار جدال و مرأ با او شویم بلکه او خودش را متعلق به فردای انتخابات بیابد و حضورش را حضور خود معنا کند آنچنان که در تشییع شهدا رخ می‌دهد که حضورش را حضور تشییع خود می‌یابد اگر چه زبان‌اش را ندارد تا این را بازگو کند اما معنایش را در خود به همراه دارد. سخن در مشارکت، سخن در نحوه‌ی حضور انسان است که طلبی بس متعالی‌تر و معنابخش‌تر از دیروز را دارد که یأس از دیروز او را از ادامه‌ی فردا باز نگه داشته است و اگر مطلوب و معنایی فراتر از امروز و دیروز را در فردایی که حقیقتاً در دل انقلاب اسلامی وجود دارد را در او زنده کنیم؛ امید را برای جمهوریت زنده کرده‌ایم. بلی، سخن در نحوه‌ی چگونگی‌ها باقی است و کلام با اجمال همراه است و برای تفصیل باید به «گفت» نشست و زبان را به صحنه آورد تا هم گوش‌ها بشنوند و هم زبان‌ها سخن بگویند تا قلب تصدیق کند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این‌که بشر جدید بنا دارد در انتخاب خود، خود را حاضر کند؛ بحثی نیست. و در این‌که در این انتخاب به دنبال حضوری بس متعالی است، باید با او به گفتگو نشست تا معلوم شود اگر آن انتخاب با نظر به افق توحیدی و بستر متعالی انجام نگیرد؛ انتخاباتی انجام نگرفته است، بلکه با بازی رسانه‌ها، هوس‌های سرگردان به میان آمده است و تقابل اساسی بین حضور مردمی در جمهوری اسلامی با جمهوریت‌های سکولار دقیقاً در همین نکته است.

نظام مقدس جمهوری اسلامی میدانی را برای انسان فراهم می‌کند تا هرکس خود را در نزد خود در میدان انتخابی که انجام می‌دهد احساس کند و شور بودن خود را تجربه نماید. زیرا نه انسان می‌تواند بدون انتخاب‌هایش و با تحمیل دیکتاتوران در این زمانه زندگی کند و نه می‌تواند در انتخاب‌های خود در افق تاریک سکولاریته، نیست‌انگاری خود را عمق ببخشد. و این‌جا است که معنای انتخابات در نظام مقدس جمهوری اسلامی معلوم می‌شود با همان نگاه دقیقی که جناب‌عالی بر آن تأکید دارید. یعنی انتخاب برای حضور فردایی که در پیش است و در دل همین نظام می‌توان با همه تنگناهای تاریخی که داریم به آن فردا نظر کرد. در این مورد بسیار می‌توان سخن گفت تا معنای سخن آن پیر فرزانه را «فهم» کرد که فرمود: «فقط «جمهوری اسلامی»، نه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم.» زیرا با این جمله بدون آن‌که از حضور تاریخ جدید خارج شویم، از پوچی آراء سرگردان در جهان مدرن مبرا خواهیم شد. چه اندازه در غفلت‌اند آنانی که جایگاه انتخابات را در نظام جمهوری اسلامی به اموری متصل می‌کنند که اتفاقاً با ادامه انتخاباتی که بر آن تأکید شده است؛ می‌توان از آن امور و از آن تنگناها عبور کرد. موفق باشید.